

# چشم انداز مبهم صلح و گرم شدن سنگرهای جنگ!

سرمقاله

## جنگ و امنیت

محمد رضا هویدا

امنیت در افغانستان اصلی ترین مقوله ای است که در این سالها وجود داشته است. جنگ علیه تروریسم به منظور برقراری امنیت در افغانستان آغاز شده بود اما این جنگ بعد از مدتی به نظر می رسد که از هدف خود دور شده و اکنون دیگر برای برقراری امنیت نیست. جنگ هایی که باید معطوف به امنیت می بودند اکنون معطوف به تامین امنیت نیستند. جنگ ها حالت دفاعی به خود گرفته اند. طالبان یک قدم بیشتر هستند. آنان حمله می کنند و مناطق را ناامن می سازند، و نیروهای دولت در صدد ماندن در مناطق و تصفیه بر می آیند. طالبان سعی می کنند ولسوالی هایی را از چنگ نیروهای دولتی بیرون بکشند و نیروهای دولتی، تلاش می کنند، بر این مناطق مسلط باقی بمانند. چنین سیاستی در جنگ به معنای تامین امنیت نیست. امنیت زمانی در اولویت جنگ ها قرار خواهد گرفت که هشدارها جدی گرفته شوند. ماه و سالها از حضور نیروهای طالبان به سوی شمال هشدار داده می شد، اما هیچ گوش شنوایی در دولت وجود نداشت، ماه ها در کشور داعش و بلخ و نواحی این گروه افغانستان را تهدید می کند، هشدار داده شده بود ولی هیچ کسی به این ها توجه نکرده و بسیاری از مقامات گفتند که داعش برای افغانستان هیچ خطری ندارد. از حضور داعش در افغانستان منکر شدند. حال که شمال نا امن شده است و داعش به عنوان یک حقیقت تلخ و دردناک در کشور سر بر آورده است، نیز نه برنامه ای جدی برای تامین امنیت شمال وجود دارد و بلان و استراتژی مشخص و کار آمدی برای مبارزه با داعش. جنگی منفعلانه در کشور علیه طالبان و داعش جریان دارد. این جنگ به هیچ صورت نتیجه بخش نخواهد بود. این جنگ کاملا به ضرر دولت است. نمونه های کثرت، هلمند، بدخشان و فاریاب همه نشانه هایی از یک جنگ بدون استراتژی و منفعلانه دارد. در هیچ یک از این جنگ ها دولت افغانستان ابتکار عمل را در اختیار نداشته است. واگزار کردن ها و عقب نشینی های تاکتیکی در این ولایات و دیگر ولایات کشور، همراه با هشدارهایی که سال روان سسالی پر از جنگ و خشونت خواهد بود، معطوف به امنیت نیست. حتما هشدارهای دولتمردان که در این سال نباید در انتظار امنیت نشست، خود امنیت روانی شهروندان را تخریب خواهد کرد.

جنگ منفعلانه دولت علیه طالبان، با بی برنامهگی کشورهای خارجی حاضر در جنگ علیه تروریسم، تشدید شده است. این کشورها نیز روزی از توانایی دولت افغانستان در مبارزه با طالبان می گویند و روزی دیگر از ضعف و ناتوانی این دولت در مبارزه با دهشت افکنی و ناامنی، همان گونه که ریاست جمهوری زمانی خود پروسه انتقال را رهبری می کرد و از توانایی دولت و نیروهای نظامی افغان اطمینان می داد و اکنون از اثرات نامطلوب خروج خارجی ها می سخن می گوید. همان گونه که مقامات در وزارت دفاع به جای اینکه پاسخی قانع کننده به خاطر عقب نشینی های اخیر نیروهای دولتی در مقابل طالبان داشته باشند، از این عقب نشینی ها دفاع کرده و آن را برای آینده نیروهای دولتی مفید دانسته است.

علاوه بر همه اینها، نهادهای امنیتی که با سرپرست ها اداره می شوند، از نگاه رهبری و مدیریت در وضعیت بدی قرار دارند. اکثریت نامطلوب سرپرستی در ادارات امنیتی به وضوح قابل مشاهده است. منتظر ماندن برای اینکه طالبان از کجا سر بر می آورند و حمله می کنند، برای مردم افغانستان کاملا خسته کننده شده است. نیروهای دولتی باید در موضع برتر قرار داشته باشند، نه اینکه منتظر حمله طالبان باشند و آماده تحمل تلفات و عقب نشینی های تاکتیکی.

جنگ در بغلان و هلمند و... باید از این حالت بیرون شود. این حالت در کوتاه مدت و دراز مدت کاملا به ضرر دولت است.

پس از امیدواری های فراوان درباره پیشرفت روند صلح، بویژه پس از نشست های چند جانبه، گویا بار دیگر در روز های اخیر چشم انداز صلح در هاله ای از ابهام و تردید قرار گرفته است. این تردید نسبت به دست یابی به صلح و ابهام در چگونگی آن از هنگامی شدت یافت که پاکستان برخلاف اظهارات قبلی خود نتوانست که رهبران طالبان را در نشست تعیین شده چهار جانبه صلح حاضر نماید. حتی تهدید های به ظاهر جدی پاکستان مبنی بر اخراج خانواده های رهبران طالبان غایب در پروسه صلح نیز نتوانست که پای رهبران و نمایندگان طالبان را به میز مذاکره بکشاند. در این میان فقط گفته می شود که حزب اسلامی حکمتیار اظهار آمادگی نموده اند که برای تحقق صلح و پایان بخشیدن به جنگ با دولت بگفتگو بنشینند. در راستای همین اعلام آمادگی میزبانی می شود که هیئتی از سوی رهبری حزب اسلامی در کابل بسر می برد تا روند گفتگو و مذاکره را پیش ببرد. هرچند در همین مورد هم، با وجود اعلام خوش بینی ها و نشر گزارش های مثبت، تا هنوز موضع دقیق و رسمی حزب اسلامی اعلام نگردیده است. به معنای دیگر نتیجه نهایی گفتگو های حزب اسلامی و حکومت نیز تا هنوز مشخص نیست و هر آنچه نقل گردیده است اظهارات غیر رسمی می باشد. بنابراین در همین عرصه نیز ابهام و تردید سایه خود را بر میز مذاکره و گفتگو انداخته است.

در این خصوص، یعنی گفتگو نمایندگان حزب اسلامی و حکومت دیدگاه های مختلف نیز وجود دارد. اگر چه نمایندگان حزب اسلامی و حکومت نسبت به این نتیجه خوش بین بوده و پیامد های مثبتی را برایش باورمند هستند. اما منتقدان نیز در این باره دیدگاه های آرایه داشته اند. بعضی از کارشناسان بدین باور هستند که هر چه حرکتی که از جانب گروه های مختلف درگیر برای از میان بردن جنگ صورت بگیرد، ارزنده است و می تواند در راستای کاهش خشونت های خونبار کنونی مؤثر واقع شود. حزب اسلامی حکمتیار نیز هرچند در رویارویی مسلمانان با دولت کابل قرار نداشت، ولی نقش این گروه در جنگ

و صلح افغانستان غیر قابل انکار است. در همین حال برخی از کارشناسان معتقدند که خود را جمع نموده و دوباره خود را سازمان دهی می نمایند. حتی گفته می شود که نیروهای نظامی خود را برای یک نبرد تعیین کننده و جدی در حال آماده باش قرار داده اند. راه دوباره طالبان در منطقه دند غوری ولایت بغلان و نیز تداوم جنگ های خونین در ولایت های جنوبی حزب اسلامی متعلق به حکمتیار به هدف و شرقی هم چنان با شدت جریان دارد. در همین حال مقامات داخلی کشور و نیز مقام های نظامی امریکا از طالبان به عنوان یک تهدید یاد می کنند. تاکید مقام های داخلی بر توانمندی نظامی که بخشی از آن بر مسئله مقابله با طالبان ارتباط می گیرد و اظهارات لوی درستی از روی امریکا در طرح جدیدی که قرار است به رییس جمهور این کشور ارائه کند، طالبان افغان را هنوز به عنوان یک تهدید می داند. در طی روز های اخیر رسانه ها و مقام های داخلی و خارجی بگونه ای صریح یا ضمنی اظهار داشته اند که در بهار پیش روی و سال روان وضعیت امنیتی در سراسر کشور بویژه در ولایت های شمال کشور برغنج خواهد شد و نیز بازی هایی جریان

عبدالله هروی



صلح جنگ با طالبان جایز شمرده نمی شود. هرچند حکومت وحدت ملی نسبت به دوره کرزی سعی دارد که نسبت به مسایل کشور از جمله موضوع صلح و جنگ با طالبان دیدگاه منسجم و واحدی داشته باشد. اما حکومت وحدت ملی تاکنون نتوانسته است بنابه دلایل و علل مختلف به این هدف دست پیدا کند. بدین جهت روش ها و سیاست های حکومت در میان صلح و جنگ با مخالفین سردرگم و بدون برنامه مانده است. برای بیرون آمدن از چنین وضعیتی حکومت بایستی به ارایه طرح و برنامه همت گمارد و بیش از جامعه و کشور را در ابهام و تردید قرار ندهد. ابهام در چشم انداز صلح و شدت یافتن جنگ بطور قطع به نفع مخالفین مسلح خواهد بود. تاثیر این وضعیت چندگانه و تعریف نشده سبب خواهد شد که عرصه های اجتماعی و اقتصادی نیز متاثر گردند.

دارد که ادامه جنگ را تا سال های آینده در این کشور تضمین می کند. نکته اساسی و قابل این است که در چنین وضعیت متاسفانه حکومت نه جنگ با طالبان را به نحو مطلوب و منسجم و هدفمند به پیش می برد و نه روند صلح را بصورت جدی دنبال می نماید. حکومت بایستی از میان گزینه های یاد شده باید یکی را انتخاب نماید و انتخاب هرگزینه بایستی با دقت و مسئولیت پذیری همراه باشد. چنانچه هم در گذشته و هم اکنون هرکس و مجموعه ای از صلح سخن می گوید حتما مخالفان مسلح حکومت. اما هر کسی از نگاه خود صلح را تعریف می کند، بدون آن که یک نگرش ملی و جامع در باره آن وجود داشته باشد. تعاریفی که از صلح ارایه می شود گاه آن چنان متناقض و ناسازگار است که یکی با دیگری غیر قابل جمع می نمایند. پیش شرط های صلح نیز به همان میزان متفاوت و غیر قابل جمع می باشند. در یک دیدگاه طالبان تهدید جدی برای کشور و نظام سیاسی تلقی می گردد که باید با فشار نظامی و با سیاسی به میز مذاکره کشانده شود و یا سرکوب گردد؛ در همان حال از آدرس شوروی صورت گیرد.

# پی آمدهای بازگشت سیاسی مرد چهل سال جنگ

عبدالرحمن فهیمی



می شود. به عبارت دیگر، حزب اسلامی در حاشیه قرار گرفته است. از این رو، در صدد است تا با دریافت اندک ترین باج سیاسی و گذشتن از موضع قاطع قبلی خود - خروج نیروهای نظامی خارجی از کشور - به جنگ و ستیز چهل ساله اش با دولت پایان داده و به روند سیاسی پسا طالبان بپیوندد. بنابراین با این که اکنون گروه طالبان به عنوان مطرح ترین و قدرتمندترین گروه شورشی و تروریستی دانسته شده و حزب اسلامی ضعیف پنداشته می شود، ولی به هر حال، این حزب در بخش های از کشور صاحب نفوذ بوده و تغییر موضع سیاسی در کاهش خشونت های سیاسی و تامین امنیت سودمند خواهد بود. گرچه جنگ و واکتس نیروهای سیاسی داخل نظام

حزب اسلامی در دوران پسا جهاد مشکلات جدی سیاسی با برخی جریان ها داشته است. این رقابت ها و مشکلات تا اکنون نیز تداوم یافته است. هیئت گفت و گو کنندگان این حزب گفته که برخی از حلقه های درون نظام موافق توافق سیاسی حزب اسلامی با دولت نیست و در صدد بی ثمر کردن اش هستند. ممکن است منظور این حزب چند جریان سیاسی باشد، اما بدون تردید یکی از آن ها حزب جمعیت است. در این صورت مسوولیت و وظیفه های گردانندگان شورای عالی صلح و رییس جمهور این است که روند گفت و گو با حزب اسلامی را به گونه ای مدیریت کنند و به سازوکاری توافقی دست یابند که باعث نارضایتی جدی برخی از حلقه های سیاسی دیگر نشود. با رعایت نارضایتی گردد، در گام نخست دولت کنونی و در گام دوم نظام و فضای سیاسی حاکم تضعیف شده و پایه های ارزان خواهد شد.

به هر حال در صورت که حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمت یار به روند سیاسی حاکم بپیوندد، دو بی آمد ممکن است داشته باشد. این که در بخش از خشونت های سیاسی پایان یافته و باعث تحکیم امنیت دست کم در برخی مناطق می شود و دوم این که پیوستن این حزب ممکن است به مذاق برخی حلقه های رقیب اش خوش نخورده و حساسیت های را خلق کند. در این عرصه مسوولیت سنگین سیاست مداران است که روند را طوری مدیریت نمایند که باعث تقویت دولت نظام شود نه تضعیف آن.

هیئت گفت و گو کننده های اعلام کرده که با تمام اخلاص به کابل آمده و هیچ وزارت ولایتی را به عنوان باج و امتیاز سیاسی نمی خواهد. بنابراین، ممکن است این بار گفت و گوهای این حزب با دولت ثمر بخش بوده و به نتایج دست یابد. پس سوال که مطرح می شود این خواهد بود که بی آمدهای بازگشت سیاسی حزب اسلامی چه خواهد بود؟ آیا با پیوستن این حزب به فضای سیاسی کنونی خشونت های سیاسی کاهش خواهد یافت؟ و از سوی دیگر با پیوستن این حزب به فضای جدید و واکنش نیروهای سیاسی داخل نظام چه خواهد بود؟

کاهش نسبی خشونت های سیاسی حزب اسلامی گلبدین حکمت یار در بخش های از کشور نفوذ قابل ملاحظه ای دارد. این حزب که گاهی نبردهای را در برابر دولت و همکاران خارجی سازمان دهی کرده و نیز که گاهی حمله های مرگبار که اکثرا مردم بی گناه ملکی کشته می شوند را سروسامان داده است. بر سر مناطق تحت نفوذ با گروه طالبان درگیر شده و خشونت های کلان را تجربه کرده است. اما خشونت های اعمال شده از سوی این

پس از این که نشست های چهار جانبه ای افغانستان، پاکستان چین و آمریکا به منظور کشاندن گروه طالبان به میز گفت و گوهای سیاسی به ثمر نشست و همه ی خوش بینی ها و امیدواری ها به آب تبدیل گردید، حزب اسلامی به رهبری انجنیر گلبدین حکمت یار جهت گفت و گوهای سیاسی با دولت اعلام آمادگی کرده است. حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمت یار پس از پیروزی گروه های جهادی موضع سیاسی مخالفت دولت اتخاذ کرده و تا اکنون نیز ادامه داده است. همین اکنون هیئت با صلاحیتی از طرف این حزب در



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

